

آموزش تحلیل سیاسی / ده سؤال از رهبر انقلاب درباره برجام^(۱۱)

هفت: آیا سندی که با نام برجام به امضای طرفین رسید مورد تأیید صد در صد رهبر انقلاب بود؟
 ۴) آغاز نوسازی کارخانه‌ی اراک تنها پس از قرارداد طرح جایگزین و تضمین کافی اجرا، ۵) معامله و تبادل اورانیوم غن شده در برابر کیک زرد در صورت عقد قرارداد مطمئن و تدریجی، ۶) تهیه‌ی طرح توسعه‌ی میان‌مدت صنعت انرژی اتمی و بررسی آن در شورای عالی امنیت ملی، ۷) ساماندهی تحقیق و توسعه برای غنی‌سازی مورد قبول در برجام در پایان دوره‌ی ۸ ساله، ۸) مرجع بودن متن مذاکرات و نه تفسیر طرف مقابل در موارد ابهام سند برجام، ۹) تشکیل هیئت رصدکننده‌ی انجام تعهدات طرف مقابل و تحقق الزامات اجرای برجام.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۷۹۲ / چهارشنبه ۱۹ تیر ماه ۱۳۹۸

چه کسانی و چرا به گاندو حمله می‌کنند؟

کیهان: صف گوشت، وضعیت بیکاری، اوضاع مسکن و مستاجران، وضعیت فروش نفت و حتی وضعی که امروز «برجام» دچار آن شده همه و همه «بازخورد» راه و روشی هستند که رفته‌ایم. اینها علائم هشدار می‌دهند که نشان می‌دهند، یک جای کار می‌لنگد و مسیری که در این ۶ سال و اندی رفته‌ایم، «درست» نیست. اینجا و این نقطه، جای جرزنی و فرار از مسئولیت هم نیست. وقت زمین و زمان را به هم بافتن و همه‌الا خود را مقصر معرفی کردن هم نیست. با مشاهده این علائم، باید ایستاد، برگشت و کمی به عقب نگاه کرد، اشتباهات را دید و دید کجای کار می‌لنگد. پس از یافتن ایراد برنامه، برنامه را باید تغییر داد و به جلو حرکت کرد.

سریال تلویزیونی «گاندو»، تقریباً همین کار را کرد. کمی ما را به عقب برد و روی یکی از موثرترین و بدترین اشتباهات برنامه‌ریزان و مدیران دولت و روش کار آنها متمرکز شد. در آن نقطه «ریز» شد و یکی از آن دهها جایی که کار می‌لنگید را پیدا کرد و به مسئولین دولتی و مردم نشان داد. این سریال گفت: «نفوذ شوخی و توهم توطئه نیست». اما بر خلاف استقبال مردمی از این سریال، دولت آن را برنتابید.

این سریال این را هم گفت که، برخی نقاطی که در آنها «بد» می‌لنگیم، همان نقاطی هستند که در آنها «جاسوس» و «نفوذی» داشتیم. راستی امروز مگر ما در دو نقطه فروش نفت خام و برجام! نمی‌لنگیم؟ مگر در همین دو نقطه جاسوس نگرفتیم؟ در جریان مذاکرات هسته‌ای و در تیم مذاکره‌کننده کشورمان، کارشناس مسائل مالی و روابط بانکی ما آیا جاسوس نبود؟! او همان کسی نیست که پس از توافق هسته‌ای عضو ستاد پیگیری برجام هم شد؟

درباره نفت هم دو نکته مشابه رسانه‌ای شده است. یکی ماجرای آن زن و شماری از تصمیم‌گیران نفتی که دادستان کل کشور هم کلیت ماجرا را تایید کرد، و دیگری ماجرای مشکوک نفتکش ایرانی و راهزنی دریایی انگلیس. در این ماجرا اعلام شد، نفتکش روسی است، مقصد آن سوریه است، نفت آن از دبی بازرگیری شده، پرچمش متعلق به کشور پاناما است و مدارک نیز به نام یک عراقی صادر شده است. اگر این اطلاعات درست است، آیا نباید بپرسیم دشمن، چگونه متوجه شد نفت این کشتی ایرانی است؟ آیا این راهزنی دریایی، ارتباطی با ماجرای آن جاسوسه و ۱۶ تصمیم‌گیر نفتی نمی‌تواند داشته باشد؟

سریال گاندو، تجزیه و تحلیل «بازخورد»های نقشه راه دولت در این ۶ سال و اندی بود. به دنبال یافتن پاسخ این سؤال‌های مهم همه ما ایرانی‌ها بود که، «چرا وضعیت این طور شد؟»، «چرا از مذاکره با غرب و برجام آبی برای مردم گرم نشد؟»

امارات شکست را پذیرفت

خراسان: پس از گذشت حدود چهار سال و نیم از تجاوز نظامی ائتلاف سعودی به یمن، فرمانده اماراتی به خبرگزاری فرانسه گفت که امارات تعداد نیروهایش در یمن را کم کرده و از راهبرد نظامی به راهبرد صلح که در اولویت است، حرکت خواهد کرد. این مقام نظامی اماراتی افزود: نیروهای ما از یمن خارج می شوند. اقدامی که به معنای جدا شدن از ائتلاف سعودی و تنها گذاشتن عربستان در باتلاق یمن پس از حدود چهار سال و نیم از تجاوز نظامی به این کشور با ادعای به قدرت رساندن منصور هادی رئیس جمهور مستعفی و فراری یمن است. آن هم در حالی که امارات پیش از این با تمرکز بر جنوب یمن و تجهیز شبه نظامیان محلی و بیرون انداختن نیروهای وابسته به هادی درصدد اشغال برخی جزایر مهم چون سقطری با اهداف توسعه طلبی و کسب منافع سیاسی و اقتصادی بود. درباره چرایی تغییر ناگهانی رویکرد امارات و فاصله گرفتن آن از عربستان به چند نکته اشاره می شود: نخست این که راهبرد نظامی ائتلاف سعودی در این مدت با شکست روبه رو شد و هر چه جنگ فرسایشی تر شد نیروهای ارتش و کمیته های مردمی یمن قوی تر از گذشته شدند. دوم این که توانمندی ارتش و کمیته های مردمی در تولید انواع موشک و پهپاد و استفاده بهینه از آن ها معادله قدرت را به نفع انصارا... رقم زد و با در معرض تهدید قرار گرفتن شریان های اقتصادی و سیاسی امارات، این کشور مجبور به تجدید نظر شد. در این باره به حملات پهپادی و موشکی به تاسیسات آرامکو و فرودگاه ابوظبی می توان اشاره کرد. سوم این که ائتلاف سعودی در طول چند سال گذشته هیچ دستاوردی در حمله نظامی به یمن نداشته و برعکس کشتار غیر نظامیان موجب خشم و نفرت بیشتر یمنی ها و همبستگی و هم سوئی آن ها با انصارا... شده که این مسئله به معنای شکست حتمی ائتلاف سعودی است. چهارم این که با روشن شدن ابعاد جنایات ائتلاف سعودی در یمن و گزارش های مجامع حقوق بشری از این که این ائتلاف مرتکب جنایات جنگی شده است، فاصله گرفتن امارات می تواند به معنی دور شدن از بازخواست در آینده باشد و اتخاذ راهبرد اولویت اول صلح، به معنای سرپوش گذاشتن بر جنایات جنگی است. پنجم نگرانی دیگر امیرنشین ها از واکنش موشکی انصارا... در هدف قرار دادن مراکز حیاتی و زیربنایی و اقتصادی امارات و مخالفت احتمالی آن ها با ادامه جنگ است. در این باره بسیاری از کارشناسان معتقدند در صورتی که انصارا... دبی را هدف موشک قرار دهد، اقتصاد امارات دچار فروپاشی خواهد شد و به همین دلیل چه بسا با ادامه جنگ برخی امیرنشین ها راه خود را از ابوظبی جدا کنند و مستقل شوند.

جای نگرانی نیست

رسالت: در خبرها آمده است که طرف های اروپایی خواستار تشکیل نشست فوری کمیسیون برجام شده اند. کشورهای آلمان، انگلیس و فرانسه همراه با اتحادیه اروپا در بیانیه ای مشترک که روز سه شنبه ۱۸ تیرماه منتشر شد، اعلام کردند «عمیقا نگران هستند که ایران به شماری از تعهداتش ذیل برنامه جامع اقدام مشترک پایبند نبوده است.» این دقیقا یعنی در دو ماه گذشته به خلاف دوره پیش از آن، مسیر را درست رفته ایم. به تکاپو افتادن و حتی جار و جنجال کشورهایی که هیچ گاه نفعشان به ایران اسلامی نرسیده است، نه تنها جای واژه ندارد که نشان آن است که اقدامات انجام شده، موثر بوده است؛ دقیق عکس دوره یک ساله پس از خروج آمریکا از برجام که با راهبرد به اصطلاح صبر استراتژیک دولتمردان در مقابل اروپا و آمریکا مواجه بودیم و طرف مقابل هم هیچ اقدامی انجام نمی داد. دیپلمات ها دقیقا همان جایی موفق می شوند که با منطق انقلابی کار را پیش ببرند و گرنه دیپلماسی های به اصطلاح اعتماد ساز، مقابل گرگ ها پاسخ نخواهد داد. بر کسی پوشیده نیست که مسئولان سیاست خارجی ما، اگرچه متدین و متعهد و دلسوزند، اما در ۶ سال

گذشته مطابق با منطق انقلابی عمل نکرده اند. همین حالا هم که کشور در حال کاهش گام به گام تعهدات برجامی است، گاهی موضع گیری می کنند که اگر طرف مقابل به تعهدات عمل کند، ما هم بازخواهیم گشت و تعهدات برجامی را احیا می کنیم. این یعنی متوجه نیستند که اگر راهبرد خروج گام به گام از برجام قرار است واقعا در عرصه عمل به کار آید و موجب امتیازگیری از رقیب شود، تنها به شرطی است که با نحوه گفتار و عمل مسئولان ایران، کشورهای خارجی حس کنند که ما در اقدام خود جدی هستیم و تنها به دنبال دریافت چند امتیاز نیستیم. مسئولان سیاست خارجی باید به این نکته توجه کنند که تنها راه برون رفت از وضعیت فعلی، یعنی وضعیتی که تأسیسات هسته ای با ظرفیت کامل کار نمی کنند و تحریم ها نه تنها لغو نشده که چند برابر شده آن است که از پسابرجام به دوران گذار از برجام برسیم. برجام، اگرچه عبرت های زیادی داشت، اما کارکرد مثبت چندانی نداشت که بخواهد تحولی در عرصه داخلی و خارجی ایران باشد و در نتیجه، پیش و پس از آن تفاوت چندانی نکرده است. راه حل، کم توجهی به برجام و گذاردن پرونده آن در گوشه ای از میز است که چندان هم جلوی چشم نباشد. حتی پیشنهاد می کنم وزیر محترم امور خارجه دیگر شخصا در مورد برجام موضعی نگیرد و موضع گیری هایی از این دست را به یکی از معاونین خود بسپارند. هرچه برجام کمتر محور قرار گیرد، توان اقتصادی داخل بیشتر مورد توجه قرار می گیرد و این یعنی گذار از برجام، به عکس تصور برخی، این اقدام، موجب رشد اقتصادی هم خواهد شد.

بار تورم «دارا» و «ندار»

دنیای اقتصاد: اقتصاد ایران در طول ۱۵ ماه گذشته شاهد تغییرات قابل توجهی در شاخص هایش بوده است. در این بین، رشد شاخص بهای مصرف کننده بیشترین اثر منفی را بر زندگی مردم به جا گذاشت. اگرچه رشد شاخص در بین دهک های مختلف درآمدی متفاوت بوده است، اما این تفاوت به قدری نبود که سیاست گذار اقتصادی با تزریق دلار ۴۲۰۰ تومان انتظارش را می کشید. فاصله بین دهک دهم (برخوردار) با دهک اول در رشد هزینه ها تنها ۷ درصد بوده است.

افزایش هزینه ها در ۱۵ ماه گذشته: داده های بودجه خانوار می تواند نشان دهد که تورم بر دهک های مختلف کشور، چه فشاری را تحمیل کرده است. بر اساس داده های مرکز آمار، کل هزینه خوراکی و غیر خوراکی دهک اول، در سال ۹۶ به طور متوسط معادل ۸ میلیون و ۲۶۶ هزار تومان بوده است، یعنی ماهی حدود ۶۸۸ هزار تومان. پس به طور میانگین، تهیه سبد مصرفی دهک اول در سال ۹۶ به طور ماهانه ۶۸۸ هزار تومان هزینه می برده است. از طرفی عدد شاخص کل برای دهک اول در سال ۹۶، معادل ۱۰۸ / ۹ واحد بوده است؛ حال آنکه این عدد در پایان بهار ۹۸ به ۱۷۳ / ۸ واحد رسیده است، یعنی ۵۹ / ۵ درصد رشد. پس اگر دهک اول قرار باشد نسبت به سبد مصرفی اش در سال ۹۶ تغییری ندهد و به همان اندازه مصرف کند، باید ۴ میلیون و ۹۱۸ هزار تومان هزینه بیشتری کند. این بیشتر از کل هزینه سالانه ای است که دهک اول در سال ۹۶ برای مسکن پرداخته بود. چرا که در آن سال کل اجاره بها و سایر هزینه های منزل مسکونی معادل ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بود. از این رو، به زبان ساده تر برای دهک اول در طول ۱۵ ماه گذشته، هزینه مسکنش بیش از ۲ برابر شده است. البته این مثال تنها برای درک بهتر هزینه افزوده شده است و این افزایش هزینه، در انواع هزینه های خانوار پخش شده است. با این حال بررسی ها نشان می دهد که کمترین درصد افزایش هزینه ها مربوط به دهک اول است، اما این برتری چندان چشمگیر نیست. در واقع با اینکه دهک اول با رشد ۵ / ۵۹ درصدی هزینه ها، کمترین رشد قیمتی را در بین دهک ها تجربه کرده، اما این عدد برای دهک دهم که بیشترین رشد هزینه ها را لمس کرده، تنها ۷ درصد بیشتر

است. این در تضاد با اهداف سیاست‌گذار قرار می‌گیرد که با تخصیص یارانه ارزی حجیم در پی حفظ سطح زندگی اقشار کم‌درآمد بود. دهک دهم در پایان بهار ۹۸، برای حفظ سطح زندگی که در سال ۹۶ داشت، باید بیش از ۶۱ میلیون تومان هزینه بیشتری می‌کرد. اما باید در نظر داشت که درآمد دهک‌های پایین هزینه‌های معمولاً حقوق ثابت و کارگری است که کمتر از تورم نقطه‌ای رشد می‌کند. در حالی که درآمد دهک‌های بالا ناشی از دارایی است که معمولاً این دارایی‌ها، هم‌ردیف و بیشتر از تورم نقطه‌ای رشد خواهند کرد. در نتیجه امکان جبران هزینه‌های اضافی دهک‌های بالا از طریق رشد ارزش دارایی‌ها وجود دارد، اما برای دهک‌های پایین چنین امکانی مهیا نیست و احتمالاً آنها ناچار به حذف بخشی از سبد مصرفی خود خواهند بود.

دزدان دریایی را منتظر نگذارید!

کیهان: به وضوح می‌توان گفت دولت انگلیس با توقیف نفتکش ایران در پی آن بوده است که اقتدار نظامی ما را به چالش بکشد تا به زعم خود تحقیر آمریکا را که با انهدام پیشرفته‌ترین پهپاد جاسوسی آن صورت گرفته بود تا حدودی جبران کرده باشد. بنابراین تاخیر ما در پاسخ به این دزدی دریایی می‌تواند انگلیس را به هدف تبلیغاتی خود نزدیک کند، چرا که به یقین انگلیس نمی‌تواند نفتکش ایران را برای مدتی طولانی در توقیف نگه دارد و به خوبی می‌داند که دست ایران برای اقدام متقابل بسته نیست و رزمندگان اسلام انگشت بر ماشه ایستاده‌اند. اما اگر اقدام متقابل ما با تاخیر روبرو شود که تاکنون شده است، صورت مسئله این خواهد بود که انگلیس نفتکش ایران را توقیف کرده و سپس آزاد کرده است بی‌آنکه از جانب ایران با واکنشی روبرو شود! از این روی حفظ هیمنه و اقتدار جمهوری اسلامی در آن است که قبل از رفع توقیف از نفتکش خود، پاسخ سنگین و پشیمان‌کننده‌ای به دزدان دریایی انگلیس بدهد و این الگو را در جهان ثبت کند که ایران هیچ تعرض و تجاوزی را بی‌پاسخ نخواهد گذاشت.

ممکن است گفته شود که طی چند روز اخیر هیچ شناور انگلیسی از تنگه هرمز عبور نکرده و یا جرأت نزدیک شدن به آب‌های ساحلی کشورمان را نداشته است. این توضیح اگر هم واقعی باشد، فرمول یاد شده را به نفع ما تغییر نخواهد داد بلکه ماجرا کماکان اینگونه خواهد بود که ایران در مقابل توقیف غیر قانونی نفتکش خود هیچ واکنش مشابهی نشان نداده است، مگر اینکه رسماً اعلام کنیم، تنگه هرمز را به روی کشتی‌های نفتکش و تجاری انگلیس بسته‌ایم و هر شناور انگلیسی را که به تنگه هرمز و آب‌های ساحلی کشورمان نزدیک شود، توقیف خواهیم کرد.

اینگونه است که باید قبل از رفع توقیف از نفتکش ایرانی دست به کار شد و فرصت انتقام از دزدان دریایی انگلیس را از دست نداده و در تاریخ ثبت کرد.

